

ارزیابی حقوقی تحریم‌های امریکا علیه ایران در همه‌گیری جهانی کوید ۱۹

امیر مقامی*
علی اکبر جعفری ندوشن**

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۵

چکیده

در شرایط همه‌گیری (پاندمی) بیماری کوید ۱۹ که مقابله مؤثر با آن مستلزم تقویت امکانات بهداشتی و درمانی همه کشورهاست، ارزیابی ضرورت لغو تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران که یکی از نخستین کشورهای درگیر با این بیماری بوده، یک مسئله حیاتی است. افزون‌بر تردیدهایی که همواره نسبت به قانونی‌بودن تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران وجود داشته است، تحقیق توصیفی - تحلیلی حاضر به دنبال پاسخ این پرسش است که تحریم‌های مزبور در شرایط مقابله با کوید ۱۹ کدام‌یک از قواعد حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند؟ یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد دولت امریکا باید در جهت تعهد به همکاری بین‌المللی و تعهد به احترام به حقوق بشر، همچنین در جهت التزام به تعهد به همکاری بین‌المللی به منظور حمایت از اشخاص در هنگام بلایا تحریم‌های یک‌جانبه را لغو کند؛ افزون‌براین تعهدات دولت امریکا در چهارچوب حقوق بین‌الملل سلامت نیز از دیگر ضرورت‌های لغو تحریم‌هاست و می‌توان این تخلف را از طریق مکانیسم دآوری مقرر در مقررات بهداشتی بین‌المللی پیگیری کرد.

واژگان کلیدی: تحریم، همه‌گیری جهانی، کوید ۱۹، تعهد به همکاری بین‌المللی، حقوق بین‌الملل سلامت.

* استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد (maghami@yazd.ac.ir).

** استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد (jafarinadoushan@yazd.ac.ir).

مقدمه

امروزه از تحریم‌های اقتصادی که تأثیرات خفیف‌تری نسبت به جنگ دارد، به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار از سوی قدرت‌های جهانی در جهت تعدیل سیاست‌ها و رفتار برخی کشورها یا تضمین اجرای قواعد و مقررات بین‌المللی استفاده می‌شود؛ هرچند در قانونی بودن و مشروعیت این تحریم‌ها تردیدهای جدی وجود دارد (Mohmad, 2015, p.80 / زمانی و غریب‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴)، اما نگرانی دیگری که پیش می‌آورد این‌که اعمال تحریم‌ها بر روی شهروندان دولت هدف به‌طور خاص و نهادها و کشورهای ثالثی که با کشور تحت تحریم در ارتباط‌اند، به‌طور عام آثار زیانباری به‌جا می‌گذارد که فاقد هرگونه وجهت حقوقی است.

از سال ۱۳۵۹ که دولت آمریکا بر ضد حکومت نوپا و انقلابی ایران به‌طور رسمی مجموعه اقدامات تنبیهی و به‌عبارتی تحریم‌های اقتصادی را اعمال کرد. تحریم‌های ضد ایرانی آن، بارها درگیر فراز و نشیب و گسترش دامنه اجرایی شد. این تحریم‌ها دامنه وسیعی از محدودیت نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی، نقل و انتقال دلار و معاملات بانکی، خرید نفت و... را تشکیل می‌دهد (<https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/programs/pages/iran.aspx>) و حتی پژوهش‌های علمی را در حوزه‌های بهداشت و درمان را نیز دربرگرفته است (Akhondzadeh, 2018, p.331). به‌انحای گوناگون بر بودجه کشور، امکان تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به‌خصوص دسترسی به دارو و درمان بیماران تأثیر گذاشته است و اکنون در وانفسای همه‌گیری ویروس کرونا، تحریم‌های ایالات متحده نه‌تنها تأثیرات مضاعفی در رکود و تنگناهای اقتصادی مردم نهاده که حتی با ممانعت از دسترسی به دارو و تجهیزات بهداشتی حق سلامت و حیات شهروندان ایران را نیز با تهدید مواجه کرده است و بدین ترتیب مقابله دولت ایران با کوید ۱۹ را می‌توان شنا با دست‌های بسته توصیف کرد؛ افزون‌براین مرزهای مشترک ایران با افغانستان و پاکستان که وضعیت بهداشتی مناسبی ندارند، همچنین همسایگی با ترکیه و عراق، در صورت عدم رفع تحریم‌ها، تحقق بهداشت جهانی را نیز به مخاطره خواهد انداخت (Gharebaghi and Heydari, 2020, 20242)؛ از این‌روست که آلنا دوهان گزارشگر ویژه ملل متحد در خصوص تأثیر

منفی اقدامات اقتصادی قهرآمیز بر بهره‌مندی از حقوق بشر نیز خواستار لغو تحریم‌ها به منظور تسهیل مقابله با کوید ۱۹ شده است ([https://reliefweb.int/report/world/un-](https://reliefweb.int/report/world/un-rights-expert-urges-governments-save-lives-lifting-all-economic-sanctions-amid-covid) rights-expert-urges-governments-save-lives-lifting-all-economic-sanctions-amid-covid). بر همین مبنا بازسنجی حقوقی استمرار این تحریم‌ها در شرایط خاص ناشی از بلایای جهانی نظیر بیماری کوید ۱۹ که می‌تواند سبب نقض مبانی بین‌المللی حقوق بشر و سرپیچی از تعهدات مقابله با بلایا و نیز تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل سلامت گردد، مورد مطالعه این پژوهش است که تلاش می‌گردد بر مبنای اصول حقوقی و تعهدات بین‌المللی ایالات متحده مورد بررسی قرار گیرد. افزون‌بر موارد پیش‌گفته، ممکن است تحریم‌ها در شرایط خاصی جنایت علیه بشریت نیز محسوب شوند که چون این مقوله مربوط به مسئولیت کیفری فردی است، از پرداختن به آن خودداری گردید.

۵۲

۱. تحریم به‌مثابه نقض تعهدات حقوق بشری هنگام مقابله با کوید ۱۹

بی‌شک صیانت از حقوق بشر یکی از اساسی‌ترین مبانی نهادهای بین‌المللی و تعهدات ناشی از آن است. بنیان سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر که همچون ضمیمه‌ای است که در منشور ملل متحد ادغام شده (مقامی، ۱۳۹۴، ص ۷۳) منشاء بسیاری از تعهدات بین‌المللی است و سبب می‌شود تا هیچ‌یک از اعضای ملل متحد ولو به پاره‌ای معاهدات متضمن حقوق بشر نظیر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ح.ا.ا.ف.) ملحق نشده باشند، امکان نقض آنها را نیز نداشته باشند؛ از این رو هرچند بسیاری از حقوق در معرض خطر ناشی از همه‌گیری بلایای جهانی همچون ویروس کرونا در اسناد بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی ح.ا.ا.ف. مورد حمایت قرار گرفته که دولت امریکا در آن عضویت ندارد اما از آنجاکه کمیته ح.ا.ا.ف. به شیوه‌های گوناگون تصریح نموده است که تعهد هر دولت در ارتباط با میثاق «از التزام به ارتقای احترام به همه حقوق بشر در منشور ملل متحد» ناشی می‌شود (ICESCR, 1997, para.8)؛ از این رو به‌جهت غیرقابل تفکیک بودن و به هم

پیوستگی حقوق بشر در اسناد فرادستی ملل متحد، دولت‌ها فارغ از عضویت در سایر تعهدات حقوق بشری مانند میثاق مورد اشاره، متعهد به صیانت از آن هستند (ICESCR, para.6, 1990). البته نمی‌توان فراموش کرد که امریکا در سال ۱۹۷۷ میثاق را «امضا» کرده است متعهد گردیده بود پیش از تصویب، اقدامی در جهت بی‌اعتبار ساختن تعهدات امضا شده به عمل نیاورد (فلسفی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰) و البته می‌توان از این کشور را از سویی به تعهدات ناشی از امضای معاهده در چهارچوب ماده ۱۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ که اکنون بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌شود (Dörr and Schmalenbach, 2011, p.221). همچنان متعهد دانست. این در حالی است که تأثیر منفی تحریم‌ها بر حق سلامت و حیات شهروندان ایران در پژوهشهای متعدد اثبات شده است (Kokabisaghi, 2018, p.7 & 389). از این نکته نیز نمی‌توان درگذشت که اگر اعمال یک‌جانبه به‌عنوان یکی از منابع تعهدات بین‌المللی دولت‌ها محسوب داریم؛ ایالات متحده که در دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی، حقوق اقتصادی را به‌عنوان حقوق واقعی بشر، انکار می‌نمود طی دو دهه اخیر افزون بر اجرای ملی حقوق اقتصادی، در همان نخستین گزارش خود به شورای حقوق بشر مسائل مرتبط به حقوق اقتصادی و اجتماعی را مورد توجه قرار داد (US UPR Report, 2010, para.67-76) و بدین ترتیب تردیدی در شناسایی این حق‌ها از سوی امریکا و الزام این دولت به رعایت تعهدات ناشی از آن باقی نمی‌ماند (MacNaughton and McGill, 2012, p.406) و چنانچه به‌سبب عدم تصویب میثاق توسط ایالات متحده، اجرای برخی سازوکارهای آن در خصوص این کشور دشوار باشد. می‌توان به اسناد مشابه‌ای نظیر تعهد امریکا نسبت به بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک در ارتباط با همکاری بین‌المللی به‌منظور تحقق کامل حقوق شناسایی شده در این کنوانسیون نیز استناد جست (Committee on the Rights of the Child, 2013, para.86).

تفسیر عمومی شماره ۸ کمیته ح.ا.ا.ف. از یک سو تحریم‌کنندگان را به رعایت حقوق مصرح در میثاق فرامی‌خواند و از سوی دیگر آنان را به نظارت دائمی در جلوگیری از تضییع حقوق اقتصادی شهروندان متأثر از تحریم فرامی‌خواند (Sigrun Skogly, 2006, p.146). افزون بر این الزامات جهت کاهش هرگونه درد و رنج گروه‌های آسیب‌پذیر، اقدامات عاجل فردی و همکاری‌های فنی و اقتصادی بین‌المللی را مورد تأکید قرار

می‌دهد (ICESCR, 1997, para.12-14). همچنین کمیته به‌ویژه به کاستن از آلام کودکان اشاره و آن را به همه گروه‌های آسیب‌پذیر - مانند بیماران و معلولان - تعمیم می‌دهد؛ افزون‌براین کمیته حقوق کودک نیز بیان می‌دارد: «دولت‌ها باید هنگام طراحی و اجرای تحریم‌های اقتصادی، تأثیر بالقوه آنها را بر حقوق کودکان مورد توجه قرار دهند» (Committee on the Rights of the Child, 2016, para.39).

وقتی کمیته ح.ا.ا.ف. به‌منظور پرهیز از ایراد رنج‌های جانبی به گروه‌های آسیب‌پذیر حتی درمورد قطعنامه‌های شورای امنیت، معافیت‌های بشردوستانه را ضروری می‌داند به‌طریق اولی لازم است آثاراحتمالی تحریم‌ها درباره گروه‌های آسیب‌پذیر حتی قیل از تصویب مورد ارزیابی دقیق واقع شود و چنانچه ناقض حقوق بشر باشد مغایر منشور ملل متحد و غیرلازم‌الاجرا اعلام گردد (زمانی و زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). این ارزیابی‌ها باید به‌صورت مستمر و دوره‌ای انجام شود (Reisman and Douglas, 1998, p.140)؛ بنابراین در جریان همه‌گیری کوید ۱۹ دولت امریکا باید تمهیدات لازم را ازجمله به‌منظور تحت تأثیر قرارنگرفتن اشخاص ثالث (به‌ویژه شهروندان) اتخاذ می‌نمود؛ هرچند معافیت‌های بشردوستانه نیز در نظر کمیته ح.ا.ا.ف. نیاز به تفسیر روشن دارد و هرگونه اجمال در قلمرو معنایی آن می‌تواند سبب تحدید مصادیق آن شود. مثلاً تأخیر و ردّ درخواست واردات کالاهای ضروری مانند مواد اولیه تهیه دارو یا تکنولوژی تولید آن به‌کمبود شدید دارو می‌انجامد یا محدودیت‌های ناشی از واردات منابع و ابزار تولید مواد غذایی در تأمین مایحتاج روزانه شهروندان مؤثر می‌افتد و آثار آن با شدت بیشتری بر دوش فقرا سنگینی می‌کند (ICESCR, 1997, para.4-5). دراین‌باره آنچه در تجربه تحریم‌های ایران، بی‌اثری معافیت‌ها را آشکار کرد تحریم نظام مالی دادوستد بین‌المللی ایران بود که عملاً امکان هرگونه معامله ضروری را نیز غیرممکن کرده بود به‌طوری که باوجود برخی استثنائات و معافیت‌های محدود، چون قواعد حاکم بر تحریم‌ها عملاً امکان انجام معامله کالاهای ضروری استثنا شده را نیز بسیار دشوار و پرهزینه می‌ساخت یا دسترسی دولت ایران به کمک‌های مالی را منع کرده یا برای هر فرایند معاملاتی، نیازمند مجوز جداگانه داشت (OFAC, 2013)؛ معافیت‌ها نیز بی‌اثر می‌ساخت.

با وجود اینکه اصولاً بر اساس میثاق بین‌المللی ح.ا.ا.ف.، حقوق بنیادین بهداشت و سلامت همچون حق بر سلامت و حق بر تأمین اجتماعی جنبه درون مرزی دارند، (Coomans, 2011, p.5) اما در عمل کمیته ح.ا.ا.ف.، بدون آنکه به‌طور سیستماتیک و مفهومی، تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها در اجرای میثاق ح.ا.ا.ف. را تبیین نماید، جلوه‌هایی از تعهدات فراسرزمینی آنها را مورد شناسایی قرار داده است. نظر کمیته مزبور در تفسیر عمومی شماره ۱۹ خود صراحت دارد که دولت‌های عضو «باید با جلوگیری از نقض حق بر تأمین اجتماعی توسط شهروندان یا نهادهای دولتی خود، از نقض این حق در دیگر کشورها نیز پیشگیری نمایند» (ICESCR, 2008, para.54). همچنین مطابق بند ۵۳ سند مزبور:

دولت‌های عضو برای ایفای تعهدات بین‌المللی خود در رابطه با حق تأمین اجتماعی باید با خودداری از اقداماتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مداخله در بهره‌مندی از این حق در دیگر کشورها می‌انجامد، به بهره‌مندی از این حق احترام بگذارند.

همانند این دیدگاه را کمیته در تفسیر شماره ۱۵ در خصوص حق بر آب نیز صادر کرده است (ICESCR, 2002, para.33) که بر مبنای ماده ۱۱ و ۱۲ میثاق، تفسیری انعکاسی (Reflective) و بازتاب دیدگاه بسیاری از کشورهای عضو دانسته شده است (Soboka Bulio, 2011, p.3). همچنان هم معتقد است دولت‌ها باید تحقق حق تأمین اجتماعی را در دیگر کشورها را تسهیل نمایند (ICESCR, 2008, para.55).

مبنای چنین رویکردهایی در تفاسیر کمیته ح.ا.ا.ف. به‌عنوان مرجع صلاحیت‌دار تفسیر میثاق، می‌توان در ماده ۲ میثاق جستجو کرد (Coomans, 2011, p.7) یا به ماده ۲۳ میثاق استناد جست که متضمن تعهد به همکاری بین‌المللی از جمله کمک‌های فنی «به‌منظور تحقق حقوق شناسایی شده در میثاق» است؛ از این روست که کمیته در تفسیر عمومی شماره ۳ خود تصریح می‌کند:

همکاری بین‌المللی برای توسعه و در نتیجه تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعهدی بر دوش همه دولت‌هاست. این تعهد به‌ویژه بر دوش آن دسته از دولت‌هایی است که در شرایط کمک به دیگر کشورها قرار دارند (ICESCR, 1990, para.14).

البته کمیته مزبور مبنای این نوع تعهدات را فراتر از میثاق و در مواد ۵۵ و ۵۶

منشور ملل متحد می‌داند. همچنین در ارتباط با فعالیت‌های تجاری تصریح می‌کند که هر دولتی باید تضمین نماید که مانع اجرای تعهدات دولت‌های دیگر به موجب میثاق نخواهد شد (ICESCR, 2017). تعهدات فراسرزمینی به «تعهد به اجرا» در چهارچوب فوق (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۶) محدود نمی‌شود. «تعهد فراسرزمینی به احترام» نیز مستلزم آن است که دولت‌ها از هرگونه اقدامی که مستقیماً یا غیرمستقیم مانع بهره‌مندی اشخاص خارج از سرزمینشان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصرح در میثاق است نشوند (ICESCR, 2017, para.29).

برهمن مبناست که کمیته در تفسیر شماره ۱۴ بیان می‌کند: «دولت‌ها باید بهره‌مندی از حق بر سلامتی در کشورهای دیگر را محترم شمارند» و از آنجاکه در مواقع اضطراری، دولت‌ها مسئولیت مشترک و فردی دارند و «باتوجه به اینکه برخی بیماری‌ها به‌راحتی به آن‌سوی مرزهای یک کشور قابل انتقال است، جامعه بین‌المللی در حل این مسئله مسئولیتی جمعی دارد. کشورهای عضو که از نظر اقتصادی توسعه‌یافته هستند، مسئولیت و نفعی ویژه در کمک به دولت‌های فقیرتر در حال توسعه در این زمینه دارند». کمیته تصریح می‌کند:

دولت‌ها در همه مواقع باید از وضع تحریم‌ها یا اقدامات مشابه محدودکننده داروها و تجهیزات پزشکی کافی به کشور دیگر خودداری ورزند. محدودیت‌ها بر این قبیل کالاها هرگز نباید به‌عنوان ابزار فشار سیاسی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد (ICESCR, 2000, para.38-40).

کمیته ادبیات مشابهی را در خصوص حق بر غذا هم در ارتباط با تحریم‌ها و هم در وضعیت اضطراری در پیش گرفته است (ICESCR, 1999, para.37-38).

در این میان نمی‌توان از آنچه در سال ۲۰۱۱ با عنوان «اصول ماستریخت راجع به تعهدات فراسرزمینی در زمینه ح.ا.ا.ف.» توسط کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان تدوین گردیده نیز گذشت ([https://www.ciel.org/wp-content/uploads/2015/05/Maastricht_](https://www.ciel.org/wp-content/uploads/2015/05/Maastricht_ETO_Principles_21Oct11.pdf) ETO_Principles_21Oct11.pdf)؛ چون بند ۸ این سند از «تأثیرگذاری بر بهره‌مندی از حقوق بشر و رای سرزمین یک کشور»، سخن به میان آورده و بند ۲۲ این اصول مزبور نیز دولت‌ها را از هرگونه اقدامی نظیر تحریم‌هایی که به از دست‌رفتن آثار حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید میثاق می انجامد پرهیز داده است و تأکید ورزیده که دولت‌ها باید در طراحی، اجرا و خاتمه دادن به هرگونه تحریم، تضمین کنند که تعهدات حقوق بشری به‌طور کامل مورد احترام قرار می‌گیرد. دبیرکل سازمان ملل متحد نیز به‌دنبال قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی از سال ۱۹۸۳م تاکنون، گزارش در خصوص تحریم‌های اقتصادی و حقوق بشر به مجمع عمومی ارائه نموده و در این گزارش‌ها بر وجود تعهدات فراسرزمینی ضمنی به‌منظور تحقق حقوق بشر در هنگام اعمال اقدامات اقتصادی یک‌جانبه صحه گذاشته است (A/70/345, para.14).

از این رو به‌جهت اهمیت حقوق بشر در اسناد فرادستی ملل متحد، دولت‌ها فارغ از عضویت در سایر تعهدات حقوق بشری مانند میثاق ح.ا.ا.ف که متضمن حقوق بنیادین سلامت است، متعهد به همکاری بین‌المللی به‌منظور دسترسی به داروها و تجهیزات پزشکی ضروری‌اند (Mok, 2010, p.73)؛ از این رو اولاً، دولت امریکا دارای تعهدی عمومی مبنی بر همکاری بین‌المللی با دولت ایران برای تسهیل تحقق حقوق مزبور و عدم ممانعت در برخورداری اتباع ایران از حقوق مورد اشاره است؛ ثانیاً، درمورد خاصی نظیر حق بر سلامت و تأمین اجتماعی یا حق بر آب تعهدات مستقیمی نیز ممکن است برعهده دولت امریکا باشد؛ از این رو دولت امریکا در وضع تحریم‌ها باید به اثرات آن بر حقوق اقتصادی مندرج در میثاق توجه داشته باشد که در بسیاری موارد تعهداتش را در چهارچوب حقوق بین‌الملل عرفی و با عنایت به ماده ۱۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، نقض گردیده است.

۲. نقض حقوق بین‌الملل سلامت

با در نظر گرفتن وضعیت فوق‌العاده بهداشتی جهانی، تضعیف یک دولت در مقابله با کوید ۱۹ استمرار بحران جهانی را طولانی‌تر خواهد نمود. در واقع سازمان بهداشت جهانی در اعلام چنین وضعیتی به دو عامل اساسی توجه خواهد داشت: نخست آنکه یک رویداد غیرمعمول بهداشتی از طریق گسترش بین‌المللی بیماری، باعث بروز خطر سلامت عمومی برای سایر کشورها شود و دوم اینکه بالقوه نیازمند یک پاسخ هماهنگ

بین‌المللی است. این دو ویژگی، همه کشورها را در مقابله مؤثر با چنین وضعیتی متعهد و محق می‌سازد. اکنون جای این پرسش مطرح است که آیا تحریم‌های امریکا در شرایط حاضر می‌تواند نقض اساسنامه سازمان بهداشت جهانی یا مقررات بهداشتی بین‌المللی باشد یا خیر؟

نقض اساسنامه سازمان بهداشت جهانی به‌ویژه از آن‌رو اهمیت دارد که در صورت اثبات، می‌تواند زمینه‌ساز اقامه دعوی علیه امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری گردد. به‌موجب ماده ۷۵ اساسنامه، چنانچه اختلافی درخصوص تفسیر یا اجرای اساسنامه میان دولت‌های عضو پدیدار شود که از طریق مذاکره یا مجمع بهداشت جهانی حل و فصل نگردد، هریک از طرفین اختلاف می‌تواند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع نماید. این ماده گرچه در چهارچوب سند تأسیس سازمانی بین‌المللی قید شده، اما با در نظر گرفتن ادبیات و فحوای آن و در پیوند با ماده ۳۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مانع طرح اختلافات میان دولت‌های عضو نخواهد بود؛ با وجود این صورتبندی الفاظ ماده ۷۵ نشان می‌دهد که تلاش برای مذاکره مستقیم میان طرفین و رجوع به مجمع سازمان، پیش شرط اشتغال قضایی دیوان بوده و تنها در صورت عدم مشارکت طرف مقابل در مذاکره یا عدم حل و فصل اختلاف از دو طریق پیش‌گفته، دیوان قادر به اعمال صلاحیت خود خواهد بود (ICJ, 2011, para.184).

ماده ۱ اساسنامه سازمان، حصول عالی‌ترین سطح بهداشت برای همه ملل را هدف سازمان معرفی می‌کند. گرچه این تعبیر با مفاد ماده ۱۲ میثاق ح.ا.ا.ف. همراستاست، ولی از آنجاکه مبین هدف سازمان است و تعهد مشخصی را به دولت‌های عضو تحمیل نمی‌کند، نمی‌تواند مبنایی برای اختلاف میان دو دولت باشد؛ همچنین است وظایف سازمان که در ماده ۲ ذکر شده و به هماهنگی و همکاری با دولت‌ها اشاره دارد. مهمترین تعهداتی که دولت‌ها به‌موجب اساسنامه به عهده می‌گیرند اولاً، عبارتست از پذیرش معاهدات و مقرراتی که توسط مجمع و در چهارچوب مواد ۱۹ و ۲۱ اساسنامه تدوین و تصویب می‌شود؛ ثانیاً، ارائه گزارش‌های ملی که به‌موجب مواد ۶۱ تا ۶۵ مقرر شده است؛ بنابراین اساسنامه سازمان، فاقد نص صریح یا حتی ضمنی درخصوص تعهد دولت‌ها به همکاری بین‌المللی در مقابله با همه‌گیری جهانی و مشخصاً تعهدات در

ارتباط با کمک‌های فنی یا چشم‌پوشی از تحریم‌هاست.

بخش مهم دیگری از حقوق بین‌الملل سلامت، مقررات بهداشتی بین‌المللی (۲۰۰۵م) است که در چهارچوب ماده ۲۱ اساسنامه به تصویب مجمع بهداشت جهانی رسیده و به‌عنوان یک شبه معاهده، سندی لازم‌الاجرا تلقی می‌شود. سند مزبور، سند مستقلاً محسوب شده و با فرض مدعای نقض آن در دیوان، چنان‌که از رویه دیوان و سیاست قضایی تزییقی آن برمی‌آید، نمی‌توان نقض این مقررات را نقض اساسنامه تلقی نمود؛ همچنان‌که برای مثال، نقض یک قطعنامه شورای امنیت یا آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، با نقض منشور ملل متحد مترادف نیست؛ بنابراین نقض مقررات مزبور - گرچه تصویب آنها ناشی از صلاحیت مندرج در ماده ۲۱ اساسنامه است - به امکان اشتغال قضایی دیوان در چهارچوب ماده ۷۵ منجر نخواهد شد.

مطابق ماده ۴۴ مقررات بهداشتی بین‌المللی، کشورهای عضو باید در شناسایی و ارزیابی رویدادها و پاسخ به آنها، همچنین تدارک و تسهیل همکاری فنی و تأمین منابع مالی جهت تسهیل اجرای تعهدات ناشی از این مقررات با یکدیگر همکاری نمایند؛ بنابراین اگر بتوان اثبات نمود که تحریم‌های یک‌جانبه امریکا، مانع اجرای تعهدات ایران به‌موجب مقررات مزبور بوده است، نقض ماده ۴۴ که حتی بر تعهد به تسهیل اجرای تعهدات، اشاره دارد نیز قابل تصور خواهد بود. ایفای تعهدات مندرج در مقررات (از جمله مواد ۵، ۱۳ و ۴۰ در خصوص افزایش ظرفیت بهداشتی و نیز هزینه اقدامات بهداشتی در خصوص مسافران)، نیازمند منابع مالی گسترده‌ای است که تحریم‌های یک‌جانبه امریکا مانعی جدی در دسترسی به این منابع برای دولت ایران شده است.

افزون‌براین منافع فردی هر دولت نیز اقتضا می‌کند در چنین شرایطی به همکاری بین‌المللی روی آورد و تحریم‌ها از این‌رو نیز مغایر منافع امریکا به‌نظر می‌رسد (Dustin, 2015, p.4).

اگرچه دولت امریکا حق شرطی نسبت به این سند ابراز نموده که به‌موجب آن، تعهدات ایالات متحده باید در انطباق با اصول فدرالیسم عمل شود، اما اولاً، جمهوری اسلامی ایران اعتراض خود را نسبت به این حق شرط اعلام نموده و آن را مغایر هدف و موضوع مقررات دانسته است؛ ثانیاً، تحریم‌های امریکا مستند به عمل دولت فدرال

است، نه ایالات و حق شرط مزبور نمی‌تواند خللی در تعهدات و مسئولیت دولت فدرال به موجب حقوق بین‌الملل وارد آورد. مطابق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، دولتی که حق شرطی مغایر موضوع و هدف معاهده اعلام نموده اساساً عضو معاهده تلقی نمی‌شود (ICJ, 1951, p.29)، ولی رویه مزبور قادر به پاسخ این پرسش نیست که وقتی دولتی در چهارچوب ماده ۲۱ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، متعهد به پذیرش و اجرای مقررات (به‌مثابه معاهده بین‌المللی) است؛ آیا ابراز چنین حق شرطی یا اساساً هرگونه روشی که منجر به عدم عضویت در مقررات شود قابل قبول خواهد بود یا خیر؟ در اینجا به نظر می‌رسد، اساسنامه که دولت‌ها را ملزم به پذیرش مقررات مصوب مجمع نموده، حق شرط مغایر با هدف و موضوع را فاقد اثر حقوقی می‌سازد؛ بدین معنا که این حق شرط نمی‌تواند مانع التزام دولت مزبور به مفاد مقررات گردد؛ افزون‌براین با در نظر گرفتن دکترین (کک دین و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴)، از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران در اعتراض خود متعرض لازم‌الاجرا شدن مقررات در روابط میان دو کشور نشده است؛ بنابراین اعتراض مزبور نیز تعهدات ایالات متحده مطابق مقررات را در ارتباط با ایران زائل نمی‌سازد.

ماده ۵۶ مقررات مکانیزم ویژه‌ای برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای آن پیش بینی نموده است که به موجب آن طرفین اختلاف بدو باید از طرق مسالمت آمیز سیاسی یا داوری غیررسمی برای حل اختلاف بکوشند و در صورت عدم موفقیت، از مدیرکل سازمان بخواهند تلاش خود را برای حل اختلاف به کار گیرند. بند ۳ ماده ۵۶ نیز به دولت‌های عضو این اختیار را داده است تا اختلاف را بر اساس قواعد اختیاری دیوان دائمی داوری به یک هیئت داوری ارجاع دهند. رأی داوری، ماهیتاً تصمیمی حقوقی محسوب شده و لازم‌الاجراست؛ گرچه سازوکاری برای تضمین اجرای آن پیش بینی نشده است. همچنین مقررات این ماده، مانع توسل به دیگر نهادهای داوری یا قضایی بین‌المللی در چهارچوب معاهدات معتبر میان طرفین نخواهد بود، اما با توجه به خروج ایالات متحده از معاهده مودت میان دو کشور (۱۹۵۵م) و فقدان معاهده دیگری که بتواند مبنای صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری باشد و نظر به عدم پذیرش صلاحیت اجباری دیوان توسط ایران و آمریکا، به نظر می‌رسد راه برای

توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری مسدود است.

۳. نقض تعهدات مقابله با بلایا در تحریم‌های امریکا

۳-۱. مبانی تعهدات ناشی از مقابله با بلایا

در سال ۲۰۰۶م کارگروه مربوط به برنامه کاری بلندمدت کمیسیون حقوق بین‌الملل، به کمیسیون توصیه کرد موضوع حمایت از اشخاص در هنگام بلایا را به‌عنوان یکی از مصادیق «تحولات جدید در حقوق بین‌الملل و نگرانی مبرم جامعه بین‌المللی در کل» در دستور کار قرار دهد. پیش‌تر کمیته ح.ا.ا.ف. در تفسیر عمومی شماره ۱۲ به ضرورت کمک‌های بین‌المللی برای تحقق حق بر غذا در هنگام بلایا اشاره کرده بود (ICESCR, 1999). همچنین پیش‌تر و به‌هنگام بروز برخی بلایای طبیعی، شاکله تدریجی «حقوق بین‌الملل پاسخ به بلایا» در رویه برخی دولت‌ها در حال بروز بود. گزارش‌های گزارشگر ویژه کمیسیون آقای ادوارد والنسیا در سال ۲۰۱۱م به تدوین پیش‌نویس راجع به «حمایت از اشخاص در هنگام بلایا» منجر شد. باتوجه به اینکه کمیسیون، عنوان طرح را از جمله موضوعات ناشی از «تحولات جدید» حقوق بین‌الملل می‌داند، علیرغم عدم تصریح به اینکه طرح ارائه شده، تدوینی یا توسعه‌ای است (Bartolini, 2016) به‌نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از طرح در واقع به منزله «توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل» در مفهوم ماده ۱۲ منشور ملل متحد تلقی می‌گردد؛ بنابراین، اگرچه سند مزبور آمیزه‌ای از تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل است (ILC, 2016, p.2) اما اغلب مفاد طرح مزبور را نمی‌توان تدوین قواعد عرفی بین‌المللی محسوب نمود. باوجوداین باید توجه داشت که مفهوم توسعه حقوق بین‌الملل صرفاً به ایجاد قواعد و بنیان‌های تازه در این نظام حقوقی بازمی‌گردد، بلکه می‌تواند شامل مواردی نیز باشد که اصول کلی حقوق بین‌الملل فاقد قاعده حقوقی روشن بوده و در نتیجه توسعه تدریجی، قواعد، حقوق و تعهدات یک اصل کلی را روشن می‌سازد. ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون، تفکیک مزبور را با عبارت «پیش‌نویس کنوانسیون‌های راجع به موضوعاتی که قبلاً به‌موجب حقوق بین‌الملل تنظیم نشده است» یا «در مواردی که حقوق (بین‌الملل) هنوز در رویه

دولت‌ها به قدر کافی توسعه نیافته است» بیان نموده است. اشاره بخش اخیر، نشان می‌دهد در مواردی «حقوق» وجود دارد اما رویه دولت‌ها به عنوان عنصر مادی عرف بین‌المللی (Kammerhofer, 2004, p.551) وسیع نیست و این امر اقتضا دارد تا از طریق پیش‌نویس معاهده هنجارها و قواعد حقوقی تثبیت شوند. بدین منظور قطعنامه‌های مجمع عمومی نیز در مواردی می‌تواند مصداق توسعه تدریجی باشد (ILC, 2018, p.148). بدیهی است باید میان این نوع از «توسعه» حقوق بین‌الملل که ریشه در حقوق (از جمله مبانی و اصول پیشین) دارد^۱ و دسته دیگر قواعد توسعه‌ای که به کل، قواعدی نوپدید و فاقد پشتوانه حقوقی در میان اصول و مبانی پیشین هستند، تمایز قائل شد. از این حیث مقدمه پیش‌نویس مزبور نشان می‌دهد که این طرح به دنبال برقراری توازن میان دو اصل «همبستگی و همکاری بین‌المللی» از یک سو و «حاکمیت ملی دولت‌ها» از سوی دیگر است. البته نگارش مقدمه، نشان می‌دهد که تأکید بر حاکمیت ملی در اینجا از منظر حمایت از حقوق حاکمیتی دولتی است که از بلایا متأثر گردیده است و مقدمه اشاره‌ای به حاکمیت ملی دولت‌های کمک‌کننده نکرده است؛ بدین ترتیب مقدمه مزبور اصل همبستگی را در مقام بیان مبانی تعهدات دولت‌های کمک‌کننده و اصل حاکمیت ملی را در تأسیس تعهدات دولت تحت تأثیر بلایا به کار برده است. در پرتو این تفسیر، همه‌گیری جهانی ویروس کرونا سبب شده است تقریباً تمامی دولت‌ها، تحت تأثیر آن قرار گیرند، اما روشن است که امکانات و توانایی دولت‌ها در مواجهه با این ویروس کشنده متفاوت است. اصول همبستگی و همکاری بین‌المللی که در چهارچوب منشور ملل متحد و میثاق ح.ا.ا.ف. تکالیفی را برای دولت‌های برخوردارتر ایجاد نموده است، هم از جهت منع ایجاد مزاحمت در ایفای تعهدات ملی دولت‌ها و هم از جهت تکلیف به مساعدت قابل توجه است، ولی در چهارچوب بحث حاضر، صرفاً تکلیف به منع ایجاد مزاحمت برای تحقق حقوق بشری اشخاص در هنگام بلایا مورد توجه است؛ زیرا تحریم‌ها، مانند هر کشور دیگری در مواجهه با بلایا McLean and

۱. برای مثال می‌توان به رابطه میان اصل حاکمیت ملی و مصونیت دولت‌ها و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در کنوانسیون ۲۰۰۴ ملل متحد در خصوص مصونیت دولت‌ها اشاره نمود (ILC, 2018, p.145).

Whann, 2019, p.15)) در وهله نخست توانایی دولت ایران را برای ایفای تعهدات ملی متأثر ساخته است و در شرایطی که دیگر دولت‌ها - به‌ویژه امریکا - نیز با این بلا مواجه‌اند، اولویت ایفای تعهد به ایفا با تعهدات درون سرزمینی است.

از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، بلا یا فاجعه عبارتست از یک رویداد فاجعه بار یا یک سری از رویدادهای منجر به از بین رفتن گسترده حیات، رنج و اندوه گسترده انسانی، جابجایی گسترده، آسیب‌های گسترده مادی یا زیست محیطی؛ که منجر به اختلال در کارکرد جامعه می‌شود.

همه‌گیری جهانی بیماری کوید ۱۹ که تا زمان نگارش این مقاله، باعث ابتلای بیش از چهار میلیون نفر و مرگ حدود سیصد هزار انسان شده است (<https://www.who.int/emergencies/diseases/novel-coronavirus-2019>) مشاغل بسیاری را به تعطیلی کشانده، کارکرد برخی نهادهای جامعه نظیر آموزش و بهداشت را به‌ویژه برای اقشار ضعیف‌تر مختل کرده است، سبب اعلام قرنطینه عمومی در برخی شهرها شده و نیز انتظار می‌رود به سبب خانه نشینی، بیکاری و فشار روحی ناشی از تلاش برای عدم انتقال ویروس، انبوهی از چالش‌های روانی را نیز به دنبال داشته باشد؛ می‌تواند مصداق این مفهوم باشد. از آنجاکه کمیسیون، محدود نمودن بحث به «بلاهای طبیعی» را رد نمود و با تکیه بر برخی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی (Bartolini, 2016) می‌توان گفت مفهوم بلا، صرفاً به بلاهای طبیعی نظیر زلزله، سیل و... اطلاق نمی‌شود (Donnel, 2012, p.371)، بلکه همه‌گیری‌های ویروسی و حتی تروریسم زیستی را نیز ممکن است دربرگیرد (Smith and Fraser, 2020, p.649).

افزون بر این همه‌گیری کرونا که در چهارچوب ماده ۴۴ مقررات بهداشتی جهانی (International Health Regulations, 2005) به اعلام وضعیت فوق‌العاده بهداشتی جهانی توسط سازمان بهداشت جهانی منجر شد، ([https://www.who.int/news-room/detail/30-01-2020-statement-on-the-second-meeting-of-the-international-health-regulations-2019-emergency-committee-regarding-the-outbreak-of-novel-coronavirus-\(ncov\)-2020](https://www.who.int/news-room/detail/30-01-2020-statement-on-the-second-meeting-of-the-international-health-regulations-2019-emergency-committee-regarding-the-outbreak-of-novel-coronavirus-(ncov)-2020)) در برخی کشورها نظیر نیوزلند، امریکا، فرانسه، ژاپن، بلغارستان و... رسماً به اعلام وضعیت اضطراری انجامید. به نظر می‌رسد در چهارچوب ماده ۴ میثاق بین‌المللی

حقوق مدنی و سیاسی روی داده است. مطابق ماده مزبور، هرگاه خطری فوق‌العاده کین و بقای یک ملت را تهدید نماید با حصول شرایطی دولت می‌تواند از بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین، عدول نماید. مفهوم «خطر عمومی برای بقای ملت» بالاترین سطح فاجعه را نشان می‌دهد که موجب وضعیت اضطراری در اداره امور عمومی است. با اعلام این وضعیت توسط ایالات متحده، تردیدی وجود ندارد که امریکا نیز همه‌گیری جهانی و ویروس کرونا را چنین تهدیدی برای بقای ملت می‌شناسد. تعدادی از دولت‌ها نیز طی اطلاعیه‌ای رسمی، اعلام وضعیت فوق‌العاده ملی را در چهارچوب این ماده به دبیرکل ملل متحد اطلاع داده‌اند (CCPR/c/128/2). همانگونه که تفسیر عمومی شماره ۲۹ کمیته حقوق بشر خاطر نشان می‌سازد، برخی حقا نظیر حق حیات همچنان باید در این وضعیت محترم شمرده شود (CCPR, 2001, para.7) و حتی به نظر می‌رسد حق جبران خسارت مندرج در بند ۳ ماده ۲ حتی مشمول این وضعیت نیز می‌شود (CCPR, 2001, para.14). مقررات مشابهی در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز پیش بینی شده است که برخی دولت‌ها در چهارچوب این اسناد نیز عدول از حقوق بشر را به‌مثابه وضعیت فوق‌العاده ملی اعلام نموده‌اند (Kushtrim and Humburg, 2020). علیهذا ارتباط وثیقی میان حمایت از حقوق بشر (به‌ویژه حقوق غیرقابل عدول) در چهارچوب وضعیت فوق‌العاده عمومی از یکسو و حمایت از اشخاص هنگام بلایا وجود دارد (ILC, 2016, p.31).

جمهوری اسلامی ایران نیز گرچه رسماً و در چهارچوب میثاق و نیز اصل ۷۹ قانون اساسی، وضعیت فوق‌العاده اعلام نکرد، اما عملاً با تشکیل ستاد ملی مقابله با کرونا و دستور رهبری مبنی بر لازم‌الاجرا بودن تصمیمات این نهاد فوق‌العاده (https://www.leader.ir/fa/content/24364) عملاً چنین وضعیتی را شناسایی کرده است. گرچه از تکالیف شکلی خود به‌موجب قانون اساسی (از جمله اعلام وضعیت فوق‌العاده توسط مجلس شورای اسلامی) و میثاق (به‌ویژه اعلام وضعیت به دبیرکل ملل متحد) امتناع نموده است.

۲-۳. تعهدات دولت‌ها در حمایت از اشخاص متأثر از بلایا

در شرایط وقوع بلایا، حتی اگر تحریم‌ها با مدعا و انگیزه حقوق بشر طراحی شده باشند نیز نهایتاً به نتایجی معکوس می‌انجامد که می‌توان آن را «قتل خیرخواهانه» نامید! (Heins et al., 2015) بدین ترتیب ممکن است فاجعه انسانی بزرگ‌تری نیز رقم بخورد، لذا حتی اگر تحریمی قانونی باشد، نیز باید موقتاً کنار گذاشته شود (Takian, 2020, p.1035). دولت امریکا پیش‌تر با تصویب قانون «امنیت بین‌المللی و همکاری برای توسعه» (International Security and Development Cooperation Act, 1985, Title IV) که صراحتاً مشارکت امریکا در تأمین مالی سازمان‌های بین‌المللی برای پروژه‌های ایران را منع کرده است نیز این تعهد را نقض نموده بود. دولت‌های دیگر به‌خصوص اعضای اتحادیه اروپا نیز به‌سبب این تحریم‌ها از همکاری بازمانده‌اند (Chowdhry et al., 2020, p.16).

پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل، غایتی جز حمایت از اشخاص در هنگام بلایا ندارد، اما از آنجاکه اصولاً این دولت است که واسطه موضوعیت افراد در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود^۱ و حمایت بین‌المللی از چنین افرادی با مانع حاکمیت دولت‌ها مواجه می‌شود، سند مزبور دو هدف عمده را در ارتباط با تعهدات دولت‌های دیگر (مسامحتاً دولت ثالث در ارتباط با دولت متأثر از بلایا و افراد در معرض تهدید حق‌ها) دنبال می‌کند. هدف نخست، ایجاد تعهداتی برای این دولت‌ها در مسیر تحقق همبستگی بین‌المللی است و هدف دوم، واداشتن دولت متأثر به کنار زدن پرده خودکامگی یا خودبسنده‌گی برای بهره‌مندی از کمک دیگر اعضای جامعه بین‌المللی. مطابق ماده ۵ پیش‌نویس، اشخاص متأثر از بلایا که برابر ماده ۴ از کرامت انسانی برخوردارند و مستحق احترام و حمایت از حقوق بشری‌شان هستند. دولت‌ها در واکنش به بلایا باید بر اساس اصول انسانیت، بی‌طرفی، انصاف و عدم تبعیض عمل نمایند.

۱. تعهدات و حقوق ناشی از حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بنا بر ماهیت و هدف‌شان که حمایت از کرامت انسانی است، از این اصل مستثنا هستند.

پیش از این اشاره شد که تعهد دولت‌ها به همکاری در تحقق حقوق ا.ا.ف نظیر حق بر سلامت و ناشی از منشور ملل متحد است. همچنین تعهد به احترام در خصوص حقوق مدنی و سیاسی، جنبه فراسرزمینی دارد (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵). همچنین به نظر کمیته ح.ا.ا.ف. لازم است پیش از وضع هرگونه تحریم، اثر احتمالی تحریم‌ها ارزیابی شود (ICESCR, 1997, para.4-5). ماده ۷ پیش‌نویس مرکز ثقل تعهدات مرتبط با تحریم‌ها در هنگام بلایاست. این ماده مقرر می‌دارد در اجرای پیش‌نویس حاضر، دولت‌ها باید با یکدیگر، ملل متحد، مقامات نهضت صلیب سرخ و هلال احمر و دیگر یاریگران تا جایی که مناسب است، همکاری نمایند.

کمیسیون تعهد مزبور را ناشی از بند یک ماده ۳ و مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد می‌داند که در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها نیز انعکاس یافته است (UNGA/Res/2625, para.1). سپس کمیسیون، تعهد به همکاری را در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز یادآوری نموده و بدین ترتیب خاطر نشان می‌سازد که این تعهد گرچه نقش اولیه دولت متأثر را نفی نمی‌کند (ILC, 2016, p.18) اصولاً برعهده سایر دولت‌هاست که به منظور حمایت از حقوق اشخاص، به نحو مناسب با دولت متأثر همکاری نمایند.

ماده ۸ گونه‌های همکاری را شامل کمک‌های بشردوستانه، هماهنگی اقدامات و ارتباطات امدادی، تأمین پرسنل امدادی، تجهیزات و کالاها و منابع علمی، پزشکی و فنی است. شیوه همکاری، به معیارهای مختلفی بستگی دارد و منحصر به مصادیق مندرج در ماده نیست (ILC, 2016, p.20)، بلکه هر نوع «کاهش خطر» را دربرمی‌گیرد (Bartolini, 2016)؛ بنابراین کمیسیون، حمایت مالی، انتقال فناوری، تصویربرداری ماهواره‌ای، آموزش، تبادل اطلاعات را نیز مشمول همکاری می‌داند. باوجود این نقصی که در پیش‌نویس مشاهده می‌شود به عدم اشاره صریح به مسئله تحریم‌های اقتصادی، روابط بانکی و فقدان روابط دیپلماتیک بازمی‌گردد. در مذاکرات تدوین پیش‌نویس، تنها موضوعی که از منظر تعهد به پذیرش کمک خارجی (Heath, 2011, p.423) مورد توجه بود این بود که با فشار تحریم نباید دولتی را به پذیرش کمک وادار کرد، (ILC, 2016, p.153) اما اینکه تحریم چه تأثیری بر گسترش آثار بلایا دارد، نادیده

گرفته شد. در واقع، کمیسیون از مواردی که می‌توان آنها را اخلال در همکاری بین‌المللی نامید چشم پوشی کرده است اما ممانعت از همکاری یا اخلال در آن را می‌توان مصداق نقض تعهد به همکاری در مقابله با بلایا تلقی نمود؛ همچنان‌که در جای خود، نقض تعهد در همکاری برای تضمین حقوق بشر و نقض تعهد به احترام به حقوق بشر نیز محسوب خواهد شد؛ بنابراین و از آنجاکه تعهدات دولت‌ها ناشی از حقوق بین‌الملل بشر، بنیان تعهدات مرتبط با حمایت از اشخاص در هنگام بلایا را تشکیل می‌دهد، (Ferris, 2014, p.180) پس همان استدلال‌هایی که تحریم را امکانی برای نقض تعهد به همکاری بین‌المللی در تحقق حقوق بشر می‌داند، می‌تواند نقض تعهد به همکاری برای حمایت از اشخاص در هنگام بلایا را نیز توجیه نماید. در واقع همچنان‌که ماده ۱۸ پیش‌نویس اقتضا دارد، تعهدات ناشی از حمایت از اشخاص در هنگام بلایا بر تعهدات دیگر دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل خدشه‌ای وارد نخواهد کرد و باید در پیوند و همبستگی با سایر تعهدات نیز تفسیر و اجرا شود؛ بنابراین در شرایطی که برخی از تعهد دولت‌های ثالث به ایفای «مسئولیت حمایت» نیز سخن گفته‌اند (Allan and O'Donnell, 2012, p.4) اعمال تحریم به گونه‌ای که توانایی دولت در حفاظت از شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد، فاقد توجیه حقوقی بین‌المللی است.

مطابق ماده ۱۵ در این شرایط برعهده دولت متأثر است که موانع گمرکی و تعرفه‌ای را به‌منظور دریافت کمک‌های خارجی برطرف نماید. به‌نظر می‌رسد تعهد اصولی دولت‌ها به همکاری اقتضا دارد، دیگر دولت‌ها نیز موانع مشابه نظیر مقررات صادراتی و تحریمی را ولو موقتاً مورد بازنگری قرار دهند. در واقع نمی‌توان از دولت متأثر خواست تا برای اثربخشی همکاری بین‌المللی از حاکمیت خود عدول نماید، اما برای تحقق این همکاری با موانعی از سوی دولت‌های ثالث روبرو باشد. بدین‌منظور کمیسیون، ذیل تفسیر ماده ۱۱ در بیان تکلیف دولت متأثر برای تقاضای کمک، بر این باور است که وقتی دولت متأثر نمی‌تواند کمک‌های انساندوستانه کافی را برای قربانیان مقیم قلمرو خود فراهم نماید، لازم است از دولت‌های ثالث یا سازمان‌های بین‌المللی تقاضای کمک نماید. این دقیقاً همان وضعیتی است که دولت ایران را در مقابله با کرونا به علت عدم دسترسی به منابع مالی دچار مضیقه نمود. ممکن است سایر دولت‌ها نیز

در شرایطی نباشند که کمک مادی ارائه دهند یا تفسیر آنها چنین باشد که همکاری بین‌المللی را در حد اقتضا انجام داده‌اند، اما طبیعتاً ممانعت از دسترسی یک دولت به منابع مالی خود یا ممانعت از انجام تراکنش‌های مالی یک دولت در دسترسی به تجهیزات، کالا و خدمات پزشکی نقض تعهد به همکاری تلقی خواهد شد، به‌ویژه اگر دولت متأثر تقاضای خود را صراحتاً اعلام نموده باشد؛ بنابراین لازم است هم دولت تحریم‌کننده و هم دولت‌هایی که از تحریم تبعیت می‌کنند برای مقابله مؤثر با کوید ۱۹ این تحریم‌ها را با اهداف بشردوستانه و در جهت تعهدات بین‌المللی خود نادیده بگیرند.

نتیجه

با همه‌گیری جهانی بیماری کوید ۱۹ و اعلام وضعیت فوق‌العاده بهداشتی بین‌المللی توسط سازمان بهداشت جهانی، جمهوری اسلامی ایران که هدف یکی از شدیدترین تحریم‌های یک‌جانبه از سوی دولت ایالات متحده بوده است، در مقابله با این بیماری با چالش‌ها و موانع مالی فراوانی مواجه شد. این چالش نه تنها حق بر سلامت و حق حیات ایرانیان، بلکه مبارزه مؤثر جهانی با این بیماری واگیر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. استدلال‌های نویسندگان کوششی بود برای پاسخ به این پرسش که استمرار وضعیت تحریم، فارغ از قانونی بودن اولیه آن در وضعیت کنونی با چه چالش‌های حقوقی بین‌المللی روبه‌رو می‌باشد و بر اساس کدام مبنا جامعه بین‌المللی باید از دولت ایالات متحده بخواهد تحریم‌ها را به‌ویژه در زمان همه‌گیری جهانی کنار بگذارد. چنان‌که بیان شد، استمرار تحریم‌ها در این وضعیت در درجه نخست، نقض تعهد به همکاری و تعهد به احترام به حقوق بشر است که ناشی از منشور ملل متحد بوده و جنبه فراسرزمینی دارد؛ افزون‌براین تحریم‌های حاضر که توانایی دولت ایران را در مقابله با کوید ۱۹ تحت تأثیر قرار داده، از منظر حقوق بین‌الملل پاسخ به بلایا آنچنان‌که در پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل منعکس گردیده است نیز نقض حقوق بین‌الملل و به‌ویژه تعهد به همکاری برای حمایت از حقوق اشخاص در هنگام بلایا محسوب می‌شود و در نهایت این تحریم‌ها به نقض حقوق بین‌الملل سلامت و تعهدات دولت آمریکا ناشی از مقررات بهداشتی جهانی انجامیده است که از طریق مکانیزم

داوری قابل پیگیری می باشد.

۷۰

حقوق اسلامی / امیر مقامی و علی اکبر جعفری ندوشن

منابع

۱. زمانی، سیدقاسم و جعفر زنگنه شهرکی؛ «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی»، راهبرد؛ ش ۶۷، ۱۳۹۲، ص ۱-۲.
۲. زمانی و غریب‌آبادی؛ عنوان کتاب؛ محل نشر: ناشر، سال.
۳. فلسفی، هدایت‌الله؛ حقوق بین‌الملل معاهدات؛ تهران: فرهنگ نو، ۱۳۹۱.
۴. کسسه، آنتونیو؛ حقوق کیفری بین‌المللی؛ ترجمه اردشیر امیرارجمند و همکاران؛ تهران: جنگل، ۱۳۸۷.
۵. کک دین، نگوین و دیگران؛ حقوق بین‌الملل عمومی؛ ترجمه حسن حبیبی؛ ج ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۲.
۶. مقامی، امیر؛ دستورگرایی در حقوق بین‌الملل (رساله دکتری)؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
7. Akhondzadeh, shahin, Iran s scientists uncrushed by decades of sanctions, Nature, V.559, 2018. (<https://www.nature.com/articles/d41586-018-05747-0>)
8. Allan, Craig and Thérèse O'Donnell, A Call to Alms?: Natural
9. Bartolini, Giulio, The Draft Articles on “The Protection of Persons in the Event of Disasters”: Towards a Flagship Treaty?.2016. available at: <https://www.ejiltalk.org/the-draft-articles-on-the-protection-of-persons-in-the-event-of-disasters-towards-a-flagship-treaty>.
10. Chowdhry, Sonali, Jacobs, Anna-Katharina, Kamin, Katrin, A crisis in times of crisis: Combating COVID-19 under sanctions in Iran,

Kiel Policy Brief 137.2020.

11. Coomans, Fons, “The Extraterritorial Scope of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights in the Work of the United Nations Committee on Economic, Social and Cultural Rights”, *Human Rights Law Review* 11: 1 ,2011.
12. Dustin, T. Holloway, Self-Interest as Motivation for International Cooperation toward Universal Healthcare, *Harvard Public Health Review*, V.5. 2015.
13. Disasters, R2P, Duties of Cooperation and Uncharted Consequencies, *Journal of Conflict and Security Law*, Vol 17, No 3, 2012.
14. Dörr, Oliver and Kirsten Schmalenbach (eds) , *Vienna Convention on the Law of Treaties* ,Berlin: Springer 2011.
15. Ferris, Elizabeth. How Can International Human Rights Law Protect Us from Disasters?, *ASIL Proceedings*.2014.
16. Fatemeh Kokabisaghi, Assessment of the Effects of Economic Sanctions on Iranians’ Right to Health by Using Human Rights Impact Assessment Tool: A Systematic Review, *IJHPM*, 2018.
17. Gharebaghi Rezaa, Heidary Fatemehb, COVID-19 and Iran: swimming with hands tied! , *Swiss Medical Weekly*, 2020.
18. <https://smw.ch/article/doi/smw.2020.20242>
19. Heins, Volker M., Kai Koddenbrock, Christine Unrau, *Humanitarianism and Challenges of Cooperation*, Routledge, 2015.
20. Heath, J. Benton, *Disasters, Relief, and Neglect: The Duty to Accept Humanitarian Assistance and the Work Of The International Law Commission*, *International Law and Politics*, Vol 43. 2011.

21. Kammerhofer, Jörg, Uncertainty in the Formal Sources of International Law: Customary International Law and Some of Its Problems, EJIL, L, Vol. 15 No. 3, 2004.
22. Kushtrim, Istrefi and Isabel Humburg, To Notify or Not to Notify: Derogations from Human Rights Treaties, <http://opiniojuris.org/2020/04/18>.
23. McLean, Elena V and Taehee Whan, Economic Sanctions and Government Spending Adjustments: The Case of Disaster Preparedness, British Journal of Political Science, 2019.
24. MacNaughton, Gillian and Mariah McGill, "Economic and Social Rights in the United States: Implementation Without Ratification" Northeastern University Lawjournal, Vol 4, No 2 , 2012.
25. Mok, Emily, International Assistance and Cooperation for Access to Essential Medicines, Health and Human Rights, Vol 12, No 1, 2010.
26. Reisman, W. Michael and Douglas L. Stevick, The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes, EJIL, 1998.
27. Soboka Bulio,T, The emergence of the human right water in international human rights law: Intvention or discovery?, Melbourne Journal of Intrenational law,12 (2) ,2019.
28. Skogly, Sigrun, Boyond National Borders: States Human Rights Obligations in International Cooperation, Intersentia, 2006.
29. Smith, Nathaniel and Michael Fraser,Straining the System: Novel Coronavirus (Covid-19) and preparedness for Comcomitant Disasters, AJPH, Vol 110, No 5. 2020.
30. Takian, Amirhossein, Azam Raofi, Sara Kazempour-Ardebili,

COVID-19 battle during the toughest sanctions against Iran, The Lancet, Vol 395, 2020.

31. Documents and Cases:

32. CCPR, GENERAL COMMENT NO. 29 STATES OF EMERGENCY (ARTICLE 4) 2001.

33. Committee on the Rights of the Child, General comment No. 15 on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24.) (2013).

34. Committee on the Rights of the Child, General comment No. 19 on public budgeting for the realization of children's rights (art. 4) ,2016.

35. ICESCR, General comment No. 2: International technical assistance measures (art. 22 of the Covenant) , 1990.

36. ICESCR, General comment No. 3: The nature of States parties' obligations (art. 2, para.1, of the Covenant) ,1990.

37. ICESCR, General comment No. 12: The Right to Adequate Food ,1999.

38. ICESCR, General comment No. 14: The Right to the Highest Attainable. Standard of Health (Art. 12) , 2000.

39. ICESCR, General Comment No. 8. The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights ,1997.

40. ICESCR, General Comment No. 15: The right to water ,2002.

41. ICESCR, General Comment No. 18: Article 6 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights , 2005.

42. ICESCR, General Comment No. 19 the Right to Social Security (Art. 9) ,2008.

43. ICESCR, General comment No. 24 on State obligations under the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights in the context of business activities, 2017.
44. ICJ, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 2004.
45. ICJ, Reservations To The Convention On The Prevention And Punishment Of The Crime Of Genocide, Icj, Advisory Opinion Of May 28th, 1951.
46. ICJ, Case Concerning Application Of The International Convention On The Elimination Of All Forms Of Racial Discrimination (Georgia V. Russian Federation) Preliminary Objections, 2011.
47. ILC, Report on the work of the fifty-eighth session (2006).
48. ILC, Draft articles on the protection of persons in the event of disasters, with commentaries, 2016.
49. ILC, Draft conclusions on identification of customary international law, with commentaries, 2018.
50. OFAC, Clarifying Guidance Humanitarian Assistance and Related Exports to the Iranian People, 2013.
51. UN, Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 2008.
52. UNGA/Res/2625 (XXV) of 24 October 1970.
53. Websites:
54. https://www.ciel.org/wp-content/uploads/2015/05/Maastricht_ETO_Principles_21Oct11.pdf
55. <https://reliefweb.int/report/world/un-rights-expert-urges-governments-save-lives-lifting-all-economic-sanctions-amid-covid>

56. <https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/programs/pages/iran.aspx>
57. https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-3&chapter=4&clang=_en
58. [https://www.who.int/news-room/detail/30-01-2020-statement-on-the-second-meeting-of-the-international-health-regulations-\(2005\)-emergency-committee-regarding-the-outbreak-of-novel-coronavirus-\(2019-ncov\)](https://www.who.int/news-room/detail/30-01-2020-statement-on-the-second-meeting-of-the-international-health-regulations-(2005)-emergency-committee-regarding-the-outbreak-of-novel-coronavirus-(2019-ncov))
59. <https://www.who.int/emergencies/diseases/novel-coronavirus-2019>